

بسم الله الرحمن الرحيم

معامله قرن از قدس آغاز گردید

(ترجمه)



روزنامه بلومبرگ امریکایی به تاریخ ۴ دسمبر ۲۰۱۷م زیر عنوان "معامله قرن و نقل سفارت و این که چه کسی سیاست خارجی امریکا را اداره می کند؟" گزارشی را اریه کرده است. این گزارش از اختلافات داخلی اداره رئیس جمهور ترامپ، پرده برداشته و علت اصلی را در جارید کوشنر داماد و مشاور ارشد ترامپ، که برنامه صلح یهود و عرب را به پیش می برد، می داند. گزارش می رساند که اکثر معاملات با توافق محمد بن سلمان بدون در جریان قرار داشتن وزارت خارجه امریکا به شکل مرموز، به پیش می رود. ریکس تیلرسون وزیر خارجه امریکا، اظهار داشت که ازین پلان و مداخله کاری کوشنر و عدم مشوره با وی در قضیه شرق میانه، با وجودی که شش دهه بدین سو مذاکرات صلح خاورمیانه از مسئولیت های وزارت خارجه محسوب می گردد، هیچ خبری ندارد. گزارش می افزاید که در مقابل "طرح کوشنر" برخی کشورهای عربی در رأس آن سعودی و امارات، از اکثر موفق گیری های دروغین قبلی خود نیز کنار آمده بودند.

شبکه تلویزیونی خبری العالم نیز به تاریخ ۶ دسمبر ۲۰۱۷م، به عین سیاق زیر عنوان "معامله قرن؛ قدس را پایتخت اسرائیل (دولت یهود) ساخت" گزارشی را به دست نشر سپرد. در گزارش آمده است: «دیروز پس از اعلام به رسمیت شناختن قدس به حیث پایتخت اسرائیل (دولت یهود)، رئیس جمهور ترامپ درین خصوص دو جانبه، هم تماس تلفونی گرفت و هم تماس تلفونی دریافت کرد، که از جمله با رئیس فلسطین محمود عباس، شاه اردن عبدالله دوم و رئیس جمهوری مصر عبدالفتاح السیسی، تماس گرفته و تصمیم انتقال سفارت امریکا از تل ابیب را به ساحة اشغالی قدس، ابلاغ کرد، و پاسخ های هر سه تن از رئیس فلسطین، مصر و دیوان شاهی اردن واضح می سازد که آن ها در پاسخ از خطر برهم خوردن صلح منطوقی، امنیت منطوقی، رشد احساسات منفی مسلمانان و

نصاری، بدون این‌که توضیح دهند که انتقال فوراً صورت می‌گیرد و یا در آینده، اظهار نگرانی کردند. از طرفی قصر سفید بیان داشت: «ترامپ با نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتنیا‌هو، بدون کدام تفصیلی درین خصوص تماس تلففونی برقرار کرد.»

سخن از معامله قرن، توسط رسانه‌های خبری به دو دلیل مهم خبرساز گردید، که دولت یهود قبل از اجرای هرنوع پلان خواستار آن‌ها بود. اولاً: طبیعی شدن روابط و کنار آمدن کامل با تمام نظام‌های عربی حاکم در منطقه؛ دوم: اعتراف رسمی به حاکمیت کامل یهود در شهر قدس با ضمانت اخذ اجرای عبادت تحت حاکمیت یهود، نه زیر رهبری دیگران.

قبل از بیان جزئیات دسیسه‌های معامله قرن و رابطه آن با معامله قدس، و این‌که چه دسیسه و تقصیری درین خصوص شده؛ لازم به یادآوری است که حکام سرزمین‌های اسلامی در مقابل دستورات امریکا، سیاست امریکایی خاورمیانه، استراتژی امریکا برای شرق میانه جدید و یا سیاست سایکس-پیکوی جدید در خاور میانه، از خود هیچ‌گونه موقف و اراده‌ای ندارند؛ آخرین موقف آن‌ها که مشت خاک دروغین را به چهره زمانه کوفتند؛ اظهارات قدس، مقدسات دینی، سرزمین و حقوق بشر بود.

زمانی‌که برخی از موقف‌گیری‌ها را دقیق می‌شویم، دقیقاً جز فراموشی کامل تاریخ، چیزی دیگری نیست؛ از جمله: سه موقف‌گیری رهبران عرب، نشست خرطوم بود که به تاریخ ۲۹ اگست ۱۹۶۷م برگزار گردید و بعدها به "ناتوانی علنی" مسمی گردید. در موقف‌گیری مذکور آمده است: «نه صلح، نه رسمیت و نه مذاکره با دشمن صهیونی، تا این‌که حق به صاحبش برگردد.»

در خصوص موقف سازمان آزادی‌بخش فلسطین، مهم‌ترین نکات آن چنین بود: «آن‌ها خواستار آزادی کامل سرزمین اشغالی از چنگال سازمان یهود شدند؛ درحالی‌که سازمان آزادی‌بخش قبل از ناتوانی سال ۱۹۶۷م تأسیس شده بود. یعنی برای آزادی سرزمین‌هایی‌که یهود قبل از سال ۱۹۴۸ اشغال کرده بود، تشکیل گردیده بود.» در عهدنامه سازمان آزادی‌بخش آمده که: «فلسطین تاریخی از بحر تا نهر غیرقابل تقسیم و غیرقابل تجزیه است.»

کسانی‌که از اول موقف‌گیری سران عرب، سازمان آزادی‌بخش و اخیراً موقف‌گیری سلطه فلسطین را دنبال دارند، آن‌ها از سال ۱۹۶۷م تا اکنون از موقف‌های خود، همیشه کنار آمده‌اند، و همیشه قدس، مقدسات، سرزمین، انسان، عقیده و شریعت را فدای فریب صلح کرده‌اند. اخیراً قدس و معامله قرن کنونی نیز به‌هدف پایان دادن به قضیه فلسطین و واگذاری آن به منافع یهود می‌باشد. معامله قرن و ارتباط آن به معامله قدس، همان مسئله دروغین صلح است و لازم است تا برخی نکات در مورد آن یادآوری شود:

۱- موضوع معامله قرن، تولید امروز و دیروز نیست؛ از سال‌های قبل چنین شده بود، که نخستین معامله در زمام‌داری جمال عبدالناصر بود. الجزیره به تاریخ ۱۴ جون ۲۰۱۷م زیر عنوان "معامله قرن، طرح‌ها و چالش‌های آن" گزارشی را به نشر سپرد که در آن آمده است: «طرح اسکان ۶۰ هزار فلسطینی در جزیره سینا در زمان جمال عبدالناصر که مردم غزه آن‌را ناکام ساخت و هم به بهانه این‌که دولت مصر از سیطره و امنیت سینا، عاجز است، "آلون" طرح اسکان در سینا را ارایه و بعدها به "طرح آلون" مسمی گردید. هم‌چنان در سال ۱۶۵۳م انور سادات برای پناه‌جویان فلسطینی، طرح اسکان در سینا را ارایه کرد؛ سپس دسیسه مذکور افشاء و مردم

غزه تظاهراتی را به راه انداختند که به اثر آن ۳۰ تن از اهل غزه توسط ارتش مصر به شهادت رسیدند که در نتیجه دولت مجبور به الغای این دسیسه گردید.

۲- معامله قرن بار دیگر در زمان حسنی مبارک تکرار گردید. به تاریخ ۲۹ نومبر ۲۰۱۷م بی بی سی سند سربیی را کشف کرد که در آن آمده است: «حسنى مبارک رئیس جمهور قبلى مصر، سه دهه قبل اسکان فلسطینی‌ها در سینا را پذیرفته بود.» مطابق به اسنادی که بی بی سی بر مقتضی قانون اطلاعات انگلیس بدست آورده، حسنى مبارک پلان امریکا درین خصوص را پذیرفته بود.»

۳- آماده‌گی طرح مذکور درین روزها نیر آشکار شده است؛ اولین سلسه آن به تاریخ ۲۱ فبروری ۲۰۱۷م توسط روزنامه هارتس یهودی چنین افشاء گردید: «یک سال قبل و اکنون به تاریخ ۲۱ فبروری ۲۰۱۶م طی نشست چهار جانبه بین نتیناهو، کری، سیسی و عبدالله دوم، موضوعات جدیدی پیرامون یهودی‌سازی دولت و تبادل سرزمین‌ها بحث کردند.»

پس از یک سال به تاریخ ۱۲ فبروری ۲۰۱۷م ایوب قرا یکی از اعضای حزب لیکود، اظهار داشته که احساسات نتیناهو، برای طرح ایجاد دولت فلسطینی در سینا را برانگیخته است؛ طبق طرح سیسی این تنها راه رسیدن به توافق صلح بوده و نتیناهو هم این پلان را حتماً با رئیس جمهوری امریکا، پیش کش خواهد کرد.

از مهم‌ترین مقدمات معامله قرن، که به حیث پیش شرط برای یهود می‌باشد، در نخست کنار آمدن کامل و علنی با سازمان عربی است. چنانچه نتیناهو در کنفرانس استراتژی سنج هرترلیا در ۲۰۱۷م تأکید کرد که باید جهان عرب و کشورهای بزرگ، قدس را پایتخت یهود بشناسند. ترامپ نیز در جریان سخنرانی اش سخن مشابه اظهار داشت و در خصوص این طرح امریکا با کشورهای جهان اسلام و کشورهای بزرگ گفت‌وگو کرده است.

۴- در حالی که قدس و مسجدالاقصی اصلاً غصب و به زنجیرهای محکم بسته گردیده‌اند؛ به رسمیت شناختن آن به حیث پایتخت یهود از غصب شدن آن بزرگ‌تر نمی‌باشد. هم چنان بی‌حرمتی به مسجدالاقصی و قطع بخش دیوار براق، مسمی به "دیوار مبکی"، نیز از اشغال آن بدتر نمی‌باشد.

۵- موقف محکم و بدون تغییر که به رسمیت شناختن امریکا، اشغال یهود و تقصیر حاکمان سرزمین‌های اسلامی به آن تأثیری نخواهد آورد، این است که قدس و سرزمین مبارکه الاقصی، سرزمین اسلامی وقفی و خراجی است؛ به اساس عهدنامه عمری، یهود جای پای در آن ندارد و این سرزمین مرکز اسلام و در آخر زمان دارالخلافة خواهد بود.

۶- این واقعیت اسفبار، روزی حتماً تغییر خواهد خورد؛ ولی آن زمان که حکام احمق برطرف و امت مسلمه در کنار دولت واحد خلافت بر منهج نبوت، تحت امر فرماندهانی؛ مانند: عمر بن خطاب فاتح قدس، صلاح الدین ایوبی آزادکننده قدس از چنگال صلیبی‌ها و عبدالحمید دوم صاحب موقف محکم در مقابل انگلیس و یهود، متحد شوند.

در اخير از الله سبحانه و تعالى مي خواهيم كه اين دسيسه ها عامل كشف حقيقت ها براي جهانيان و ضربه محكمي باشد، تا احمق ها از قدرت بركنار و سبب بيداري امت و آگاهي ديني، عقيدتي از مقدسات و اساسات زندگي و سبب اعاده عزت از دست رفته ي خلافت بر منهج نبوت گردد. اللهم آمين.

نويسنده: حمد طيب

۹ ربيع الثاني ۱۴۳۹ هـ.ق

۲۷ دسمبر ۲۰۱۷ م